

Research Paper

Opportunities and Challenges of Iran's BRICS Membership within the Framework of Global Governance



Mohammad Jamshidi¹*, Sahel Abdollahi Manesh²

1. Assistant Professor, Department of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Ph.D. Candidate, Department of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.



Citation: Jamshidi.M, Abdollahi Manesh.S, (2026).[Opportunities and Challenges of Iran's BRICS Membership within the Framework of Global Governance (Persian)]. *Journal of Governance knowledge*, 03(09), 90-114 .<https://doi.org/10.22034/jokog.2025.522962.1093>



<https://doi.org/10.22034/jokog.2025.522962.1093>



Received: 11 May 2025

Revised: 01 Aug 2025

Accepted: 03 Sep 2025

Available Online: 19 Mar 2026

Keywords:

BRICS; Islamic Republic of Iran; Global Economic Governance; De-dollarization; United States Sanctions

ABSTRACT

The efforts of states, particularly developing countries, to become members of BRICS can be regarded as a form of investment in the process of fundamentally reconsidering the structure of the global economy. The outcomes of such efforts are expected to contribute to advancing and realizing the interests of the international community, particularly those of the Global South. This study seeks to answer the following research question: What are the opportunities and challenges facing Iran as a new member of BRICS within the framework of global governance? It argues that Iran's membership in BRICS provides the country with an opportunity to participate in the formation of a multilateral global economic architecture; however, it also presents several challenges, including the endogenous challenges of BRICS, vulnerability and limited capacity to respond to U.S. sanction policies, and the impact of the policies of key actors on the environment of multilateral cooperation. Furthermore, the findings of the study indicate that effectively benefiting from these opportunities requires the formulation of strategies consistent with the institutional requirements of BRICS and the dynamics of the emerging global order. This research employs a descriptive-explanatory approach.

*Corresponding Author:

Sahel Abdollahi Manesh

Address: Department of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: Sahel.abdollahi@ut.ac.ir



مقاله پژوهشی فرصت‌ها و چالش‌های عضویت ایران در بریکس در چارچوب حکمرانی جهانی

محمد جمشیدی^۱، ساحل عبداللّهی منش^۲

۱. استادیار، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

مساعی دولت‌ها، بویژه کشورهای در حال توسعه، برای عضویت در بریکس را می‌توان نوعی سرمایه‌گذاری در مسیر بازنگرایی بنیادین در ساختار اقتصاد جهانی دانست؛ سرمایه‌گذاری که ماحصل آن در راستای پیشبرد و تحقق مصالح جامعه جهانی، بویژه کشورهای جنوب جهانی خواهد بود. در این نوشتار، در جهت پاسخ‌یابی برای این پرسش که: در چارچوب حکمرانی جهانی، فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی ایران به عنوان عضو جدید بریکس، کدامند؟ بر این فرضیه تأکید شده که: ایران در پرتو عضویت در بریکس، می‌تواند از فرصت مشارکت در معماری نظم اقتصادی چندجانبه جهانی برخوردار گردد؛ اما با چالش‌های متعددی همچون «چالش‌های درون‌زای» بریکس، «آسیب‌پذیری و انفعال در برابر سیاست‌های تحریمی آمریکا» و «اثرگذاری سیاست‌های بازیگران محوری بر فضای همکاری چندجانبه» نیز مواجه است. افزون بر این، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بهره‌برداری موثر از این فرصت‌ها مستلزم تدوین راهبردهایی هماهنگ با الزامات بریکس و اقتضائات نظم جهانی نوین است. روش پژوهش مورد نظر نیز توصیفی - تبیینی می‌باشد.

تاریخ دریافت: ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱۰ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۲ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۲۸ اسفند ۱۴۰۴

کلیدواژه‌ها:

بریکس، جمهوری
اسلامی ایران،
حکمرانی اقتصادی
جهانی، دلار زدایی،
تحریم‌های ایالات
متحده آمریکا

* نویسنده مسئول:

ساحل عبداللّهی منش

نشانی: گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: Sahel.abdollahi@ut.ac.ir



مقدمه

بین‌المللی جدید به‌شمار می‌رود. این عضویت بیانگر چرخشی در رویکرد سیاست خارجی ایران، از وضعیت انفعال به سمت مشارکت فعال در سازوکارهای بدیل نظم غربی دانسته شده.

پرسش اصلی این نوشتار آن است که: در چارچوب حکمرانی جهانی، فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی ایران بعنوان عضو جدید بریکس کدامند؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه اصلی مقاله بر این نکته تأکید دارد که عضویت ایران در بریکس، فرصتی برای مشارکت در معماری نظم اقتصادی چندجانبه جهانی فراهم می‌آورد؛ اما در عین حال، ایران با چالش‌های متعددی همچون «چالش‌های درونزای» بریکس، «آسیب‌پذیری و انفعال در برابر تحریم‌های آمریکا» و «اثرگذاری سیاست‌های بازیگران محوری بر فضای همکاری چندجانبه» مواجه است. روش پژوهش مورد نظر نیز توصیفی - تبیینی می‌باشد.

پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه پژوهش، ابتدا به منابع فارسی پرداخته می‌شود که پیش از عضویت ایران در بریکس، با رویکردی آینده‌نگر بر فرصت‌ها و چالش‌های پیش رو تمرکز داشته‌اند. مقاله «چشم‌انداز عضویت ایران در بریکس و تحلیل ظرفیت‌های آن در آینده مناسبات دو طرف» (Marzbani and Palvande, 2020) عضویت احتمالی ایران در گروه یاد شده را فرصتی برای موقعیت‌یابی ایران در صحنه توزیع قدرت جهانی، در کنار قدرت‌های برتر می‌داند.

در مقاله «راهبرد جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل چندقطبی: مطالعه موردی بریکس» (Simbar and Rezapour, 2020) حضور ایران در بریکس به مثابه فرصتی پیش‌روی این سازمان برای کاهش دغدغه‌های امنیت انرژی تلقی شده است.

نظم جهانی، همچون سایر نظام‌های اجتماعی-سیاسی، همواره در معرض مواجهه با تحولات و دگرگونی‌هایی با عرض و طول متفاوت بوده است که برخی از آنها به تغییرات اساسی در نظم یاد شده منجر می‌شوند. بی‌تردید، بحران مالی و اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۸ را می‌توان در زمره تغییرات یاد شده تلقی کرد. در این بستر، ظهور و نقش‌آفرینی قدرت‌های اقتصادی نوظهور بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. به بیان دیگر، بحران مزبور از طریق چالش‌آفرینی در برابر مشروعیت و مقبولیت نهادهای پولی و مالی وابسته به غرب (مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی)، زمینه‌ساز ارتقای جایگاه قدرت‌های نوظهور اقتصادی شد؛ کشورهایی که تأثیرپذیری کمتری از پیامدهای بحران داشتند و توانستند تحرک بیشتری در جهت تقویت جایگاه خویش در نهادهای مالی و چندجانبه بین‌المللی از خود نشان دهند. در این میان، شکل‌گیری گروه بریکس با حضور برخی از اقتصادهای نوظهور همچون چین، هند، برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی پاسخی نهادی به ناکارآمدی نظم غرب محور محسوب می‌شود. بریکس به مثابه بازیگری در حال تثبیت، نه تنها در پی بازآرایی ساختار حکمرانی اقتصادی جهانی، به ویژه در حوزه‌های پولی و مالی است، بلکه دستورکارهای متنوعی را نیز در حوزه‌های سیاسی و امنیتی دنبال می‌کند. این گروه روایتی خاص از تبدیل قدرتهای اقتصادی منطقه‌ای به بازیگران سیاسی جهانی است که اهمیت فزاینده‌ای یافته‌اند. بر این مبنا، عضویت جمهوری اسلامی ایران در بریکس در سال ۱۴۰۲، همزمان با تلاش‌های تهران در جهت تعامل با سازوکارهای جدید قدرت جهانی مانند سازمان همکاری شانگهای، گامی مهم در راستای ارتقای جایگاه ایران در چارچوب نظم

و غیره، راهبردهای گوناگونی را (از موازنه‌سازی تا دنباله‌روی) در قبال قدرت برتر (هژمون) بر می‌گزینند. در همین راستا، واقع‌گرایان بر این باورند که موازنه تنها راه مقابله با نظام تک‌قطبی است؛ هرچند این موازنه لزوماً به شکل سنتی آن رخ نمی‌دهد. به‌ویژه در فضای پساجنگ سرد، که نظریه سنتی موازنه قوا با چالش تحلیلی مواجه گردید؛ استدلال‌هایی در جهت دفاع از مقبولیت بهره‌گیری از روش «موازنه نرم» مطرح شد؛ راهبردی در «میان» موازنه‌ای ارتجاعی و موازنه سخت» که می‌تواند انگیزه‌های جدید برای شکل‌گیری موازنه را توجیه نماید.

در این ارتباط، رابرت پیپ (Robert pape) معتقد است، هدف موازنه نرم، خنثی‌سازی عملکرد «دولت در حال رهبری» بدون مقابله مستقیم است و معیار موفقیت آن نیز فراتر از کنار گذاشتن یک سیاست از سوی ابرقدرت، می‌تواند حضور دولت‌های بیشتر در ائتلاف موازنه‌گر باشد (2005:37, pape). همچنین به‌زعم والت، موازنه نرم به معنای تلاش غیرمستقیم و غیرنظامی برای کاهش توانایی قدرت برتر و افزایش قدرت خود در جهت کاهش سلطه‌ی قدرت مزبور است. این رویکرد با بهره‌گیری از اقدامات دیپلماتیک هماهنگ در نهادهای بین‌المللی، اهدافی برخلاف خواست قدرت هژمون را پیگیری می‌کند (Walt, 2005:126). با توجه به تعاریف مزبور، مفروضات موازنه نرم، عناصری از دو نظریه‌ی توازن قدرت ساختاری والتز و توازن تهدید استغان والت را در بر می‌گیرد. از نگاه این دو نظریه‌پرداز، موازنه‌سازی اقدامی پیش‌دستانه در برابر تمرکز قدرت و تهدیدات بالقوه هژمون است (Brooks and welforth, 2005:78) و در عین حال، دارای دو شکل درونی و بیرونی است. در شکل بیرونی بر تلاش‌های

از منظر آثار داخلی که متعاقب عضویت تهران در بریکس منتشر شده‌اند، بیشتر بر فرصت‌های مشخصی تأکید شده که می‌تواند برای ایران گره‌گشا باشد، از جمله «فرصت اتصال به نظام‌های مالی جایگزین، به‌عنوان راهکار کاهش پی‌آمدهای تحریم‌های مالی غرب» (Kohanhoush Nejad and Gharib, 2024).

برداشت اخیر در برخی منابع خارجی هم مشهود است؛ چنانکه در مقاله «گسترش بریکس: پیامدها برای بازار انرژی» (Alisa Kazelko, Uirá Sorbo, Semeghini, 2024) نویسندگان معتقدند عضویت ایران می‌تواند مزیت‌های قابل توجه اقتصادی و تجاری در قالب «تجارت درون بریکس» فراهم آورد. ناگفته نماند که طیفی از منابع خارجی نیز صرفاً بر پی‌آمدهای عضویت ایران از زاویه دولتی خاص توجه داشته‌اند، چنانکه در مقاله «منافع متضاد: پویایی پیچیده هند، ایران و چین در بریکس» (Ashwarya, 2023)، به عضویت ایران از زوایای پیچیده شدن موضع استراتژیک هند؛ توجه شده است. بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اغلب پژوهش‌ها یا پیش از عضویت رسمی ایران انجام شده‌اند و جنبه آینده‌نگر داشته‌اند، یا پس از عضویت، عمدتاً بر بعد فرصت‌ها و مزیت اقتصادی تمرکز کرده‌اند. در این میان، کمتر پژوهشی به طور هم‌زمان به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های سیاسی و اقتصادی عضویت ایران در بریکس پرداخته است. از این‌رو می‌توان مهمترین وجه نوآوری مقاله حاضر را در تمرکز بر «فرصت‌ها و چالش‌های حاصل از پیوستن ایران به بریکس» دانست.

مبحث نظری: موازنه‌گرایی نرم

دولت‌ها متناسب با شرایط نظامی، اقتصادی، سیاسی



کسب منافع مادی به موازنه نرم روی آورند (Asgari, 2008: 41).

هر چند نظریه مزبور به طور قابل ملاحظه‌ای به درک رفتار دولت‌های بزرگ به ویژه در فضای بعد از جنگ سرد کمک کرده است، اما با انتقادات خاصی نیز مواجه شده: برخی از زاویه «مشکل معنا شناختی» به آن نگریسته و بیان داشته‌اند، مرز مشخصی میان این نظریه و توازن قدرت و منطق اساسی آن وجود ندارد (Saltzman, 2011: 2). برخی این نوع توازن‌سازی را به دیپلماسی منفعتی شبیه دانسته و پیش‌بینی‌هایش را مبهم و فاقد مبنای تجربی می‌دانند (Saltzman, 2011: 1) همچنین بیان شده که معیارهایی که برای کشف منطق توازن‌طلبی نرم وجود دارد، ذاتاً ناقص و اشتباه است؛ زیرا این معیارها ابزارهای کارآمدی را برای متمایز ساختن آن از تماس‌های دیپلماتیک عادی میان کشورها ارائه نمی‌دهد (و احتمالاً نمی‌تواند ارائه دهد) (Liber and Gerald, 2005: 125). در مقابل، برخی مدافعین موازنه نرم را کلید فهم رفتار قدرت‌های رده دوم در برابر ایالات متحده آمریکا می‌دانند. به ویژه در دوره‌ی پساجنگ سرد، این راهبرد توانسته است سیاست‌های مداخله‌گرایانه آمریکا را هم در نهادهای بین‌المللی و هم از طریق افکار عمومی جهانی به چالش بکشد (Saltzman, 2011: 2). نمونه کارآمدی این رویکرد را می‌توان در اعتراضات پیش از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ مشاهده کرد؛ جنبشی که با حمایت میلیون‌ها اروپایی و صدها هزار آمریکایی شکل گرفت. این اعتراض‌ها، هزینه‌های مادی و معنوی جنگ را افزایش داد و نشان داد که موازنه نرم، در صورت تداوم، قابلیت تبدیل به موازنه سخت را دارد (pape, 2005: 203-205).

بر این اساس، عضویت ایران در بریکس را می‌توان

دیپلماتیک در نهادهای بین‌المللی تأکید می‌شود، در حالی که در شکل درونی به بسیج منابع درونی و نیز تلاش‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی یک دولت با هدف افزایش توانایی‌اش برای رویارویی با تهدیدهای مطرح شده از سوی قدرت برتر تأکید می‌گردد (Rezaei, 2008: 285).

نکته بعد مربوط به مهمترین انگیزه‌های معطوف به برقراری موازنه نرم می‌باشد، که می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

الف. نگرانی‌های راهبردی: بطور کلی اگر موازنه قدرت در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی، به نحو فاحشی تغییر یابد، دولت‌ها در پی توازن‌طلبی برمی‌آیند؛ چرا که چنین شکافی در سطح توانایی‌ها، دولت برتر را به سوی اجرای سیاست‌های ویژه‌ای می‌کشاند که سرانجام موجب تهدید امنیت سایر بازیگران می‌شود.

ب. چانه‌زنی: سیاست‌های محدودکننده دولتها (در قالب موازنه نرم) تنها در واکنش به تهدیدهای امنیتی مطرح شده از سوی قدرت برتر پیگیری نمی‌شود، بلکه بیشتر به این دلیل باز می‌گردد که آن‌ها با مجموعه‌ی اقدام‌ها یا سیاست‌های دولت سیطره‌جو، موافق نبوده و برای محدود کردن آزادی عمل او در این عرصه‌ی ویژه تلاش می‌کنند.

ج. نگرانی‌های امنیت منطقه‌ای: در دهه‌های اخیر، افزایش دولت‌های ضعیف یا ورشکسته و گسترش چالش‌های فراملی (مانند تروریسم و قاچاق مواد مخدر)، دولت‌ها را به همکاری و هماهنگی سیاست‌های منطقه‌ای در قالب موازنه نرم ترغیب کرده است.

د. منافع مادی: برخی دولت‌ها ممکن است برای

رفت (Ashwarya, 2024: 65). برخی تحلیلگران نیز هدف او را «معرفی بزرگترین بازارهای در حال ظهور جهان» دانسته‌اند. پس از آن در حاشیه شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، وزرای امور خارجه این چهار کشور مذاکرات مقدماتی را آغاز کردند (Ahmadi, Riazi, 2024: 137-138). نخستین اجلاس رسمی گروه بریک در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ در شهر یکتارینبورگ روسیه برگزار شد. در این نشست، اعضا درباره راهکارهای بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان به بحث و تبادل نظر پرداختند. با گذشت زمان، حوزه‌های همکاری فراتر از موضوعات اقتصادی گسترش یافت و شامل موضوعاتی از قبیل امنیت، انرژی، فناوری، اقتصاد دیجیتال، بهداشت و درمان و غیره گردید. (Institute for Security & Development Policy, 2024). در سال ۲۰۱۱، آفریقای جنوبی به گروه مزبور پیوست، و از آن پس نام «بریکس» شکل گرفت. پذیرش این کشور با دو هدف انجام شد: نخست، گسترش نفوذ بریکس به قاره آفریقا و دسترسی به ظرفیت‌های اقتصادی-سیاسی این قاره (Abidian, Rahnejad, 2023: 40)؛ و دوم، تبدیل بریکس از یک گروه اقتصادی محدود به یک بلوک فرمانطقه‌ای (Ahmadi, Riazi, 2024: 137-138). با وجود این، بریکس تا کنون بعنوان یک سازمان بین‌دولتی بدون دبیرخانه دائمی یا منشور رسمی باقی مانده است و تصمیمات آن بیشتر مبتنی بر اجماع می‌باشد (Shepsle, 2009). اصول و هنجارهای شکل دهنده بریکس شامل تاکید بر حاکمیت برابر کشورها؛ مخالفت با مداخلات یکجانبه؛ حمایت از نظم جهانی چند قطبی با محوریت سازمان ملل و درخواست برای اصلاح ساختارهای مالی و اقتصادی بین‌المللی است (Vixio, 2022).

در چارچوب موازنه نرم تحلیل کرد؛ زیرا این گروه نه با هدف تقابل نظامی مستقیم با ایالات متحده، بلکه از طریق تقویت همکاری‌های اقتصادی، مالی و نهادی میان قدرت‌های نوظهور و کشورهای در حال توسعه، درصدد افزایش استقلال عمل اعضا و کاهش وابستگی به سازو کارهای تحت تاثیر قدرت‌های غربی است.

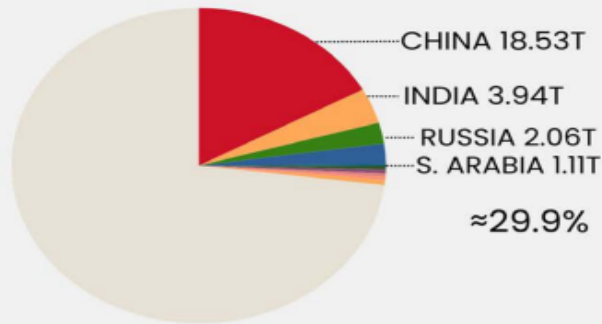
کلیاتی در باب بریکس

در فضای پساجنگ سرد، سازمان‌های بین‌المللی نمادی از چندجانبه‌گرایی تلقی شده، و از این نظر، در «عصر موازنه نرم»، این نهادها را می‌توان به مثابه سازوکاری نافذ در اختیار بازیگران درجه دوم نظام بین‌الملل دانست که به کمک آن امکان «ایجاد موازنه در برابر قدرت هژمون آمریکا» فراهم می‌شود (Marzbani, Palvandeh, 2020: 15). بر این مبنا، یکی از مشخه‌های نظام بین‌الملل در هزاره سوم، ظهور بازیگران جدید و طرح موضوع «انتقال قدرت جهانی» است. این تحول با قدرت‌نمایی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی نوظهور، در کانون توجهات و تاملات نظری سیاست جهانی قرار گرفته است. از این منظر، در شرایط گذار حاکم بر جهان، کشورها و قدرت‌های اقتصادی مطرح، تلاش کرده‌اند با تشکیل اتحادیه‌ها و بلوک‌های سیاسی و اقتصادی، جایگاه خود را در نظم نوین جهانی بیش از پیش تحکیم و تقویت کنند. بریکس یکی از این تشکلهای نوظهور است که گرچه ریشه اقتصادی دارد، اما ابعاد سیاسی و راهبردی آن نیز رو به گسترش است (Shirzadi, 2017: 38).

واژه «بریک» به عنوان نامی اختصاری، نخستین بار در سال ۲۰۰۱ توسط جیم اونیل، اقتصاددان ارشد موسسه گلدمن ساکس، برای اشاره به رشد سریع اقتصادهای برزیل، روسیه، هند و چین به کار



BRICS+ Share of Global GDP



SOURCE: IMF, 2024. IN TRILLIONS USD

شکل ۱. میزان تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو بریکس در سال ۲۰۲۴

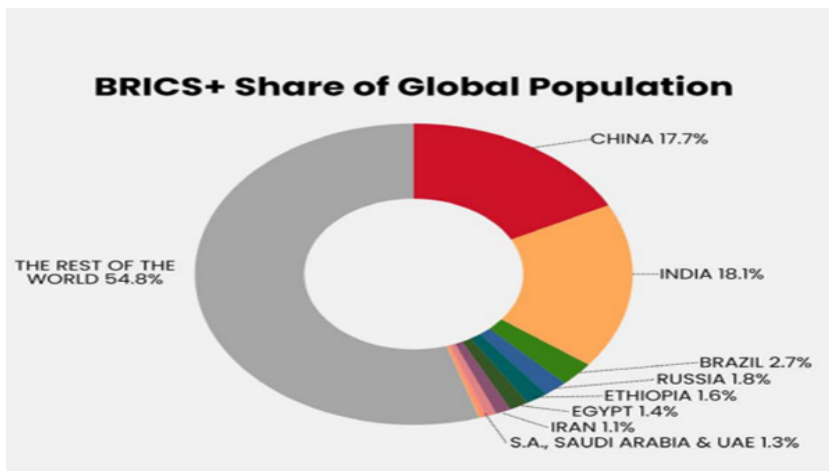
منبع: IMF, 2024. IN TRILLION USD

مطرح شده توسط گلدمن ساکس بود. مرحله دوم (۲۰۰۸-۲۰۱۴): تبدیل شدن به بستری سیاسی با ماهیتی غیر رسمی. مرحله سوم (از ۲۰۱۵ به بعد): حرکت به سوی نهادینه‌سازی و تاسیس بانک توسعه جدید بریکس (Stuenkel, 2020).

اعضای بریکس از سال ۲۰۰۹ تا کنون سالانه جلسات سران کشورها را تشکیل می‌دهند. در سال ۲۰۲۳، این گروه با دعوت از شش عضو جدید شامل آرژانتین، مصر، اتیوپی، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی گامی مهم برای گسترش نفوذ جهانی خود برداشت. عضویت کامل این کشورها از ژانویه ۲۰۲۴ آغاز شد که این امر موجب گسترش دامنه جغرافیایی و افزایش اهمیت بریکس بعنوان یک سازوکار چندجانبه نوظهور در حکمرانی جهانی شد. دامنه همکاری بریکس تا سال ۲۰۲۳ شامل حوزه‌هایی چون اقتصاد و مالیه؛

از دیدگاه برخی صاحب نظران، بریکس به مثابه «باشگاه اقتصادی با گرایش‌های سیاسی» و محصول دو تحول مهم است: نخست جهانی شدن اقتصاد که نیاز به پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را افزایش داد و دوم، تهاجم آمریکا به عراق که ضرورت ایجاد معماری نوین در نظم بین‌الملل را برجسته ساخت (Sanaei, Ebrahimzadeh, 2013:3). علاوه بر این، بریکس را می‌توان (در کنار عوامل یاد شده)، واکنشی به «تحریم‌های مالی بین‌المللی» به‌ویژه در بستر سیستم‌های تسویه مانند سوئیفت دانست، عاملی که کشورهای عضو را به سمت ایجاد سیستم‌های پرداخت جایگزین و کاهش وابستگی به دلار سوق داده است (Bostanifar, Khan, & Koch, 2024).

در مجموع تاریخچه گروه‌بندی بریکس را می‌توان به سه مرحله تقسیم کرد: مرحله نخست (۲۰۰۱-۲۰۰۷): بریکس بیشتر یک مفهوم سرمایه‌گذاری



شکل ۲. سهم بریکس از جمعیت جهان در سال ۲۰۲۴

منبع: 2024, WORLD POPULATION REVIEW

صادر شده از سوی سران و وزرای عضو بریکس، می‌توان اهداف کلان این گروه را در قالب ۷ محور اصلی دسته‌بندی کرد: تقویت چندجانبه‌گرایی و تلاش برای ایجاد نظم جهانی چندقطبی؛ اصلاح ساختار نظام مالی و اقتصادی جهان؛ حرکت به سوی نهادسازی موثر؛ بازنگری در ساختار سازمان ملل متحد؛ تامین امنیت انرژی برای اعضا؛ گسترش همکاری با کشورهای جنوب جهانی و تمرکززدایی از دلار در نظام مبادلات بین‌المللی (2018: 170 Jahangiri Vafaei Saadi). علاوه بر این اهداف کلی، بررسی مجموعه نشست‌های بریکس نشان می‌دهد که این گروه در حوزه اقتصادی نیز به توافقات قابل توجهی دست یافته است. از جمله این موارد می‌توان به بهبود وضعیت اقتصادی و تلاش برای اصلاح ساختار نظام مالی بین‌المللی، تقویت روابط پولی و تجاری میان اعضا؛ افزایش نقش موثر و بیشتر در مدیریت اقتصادی جهان؛ گسترش مبادلات تجاری

انرژی؛ اقتصاد دیجیتال، علم و فناوری؛ کشاورزی؛ بهداشت و درمان؛ امنیت و حاکمیت؛ کاهش فقر؛ صنعتی‌سازی و زیرساخت؛ حفاظت از محیط زیست بوده است. در آینده، توسعه همکاری در زمینه‌های منابع معدنی و تغییرات اقلیمی نیز در دستور کار قرار دارد (Institute for Security & Development Policy, 2024). گسترش اعضا و پیوستن اقتصادهای مهم خاورمیانه و آفریقا می‌تواند تولید ناخالص داخلی بریکس را تا ۲.۶ تریلیون دلار افزایش دهد. ثروت قابل سرمایه‌گذاری بریکس در حال حاضر حدود ۴۵ تریلیون دلار برآورد می‌شود و برخی تحلیلگران معتقدند این گروه پتانسیل آن را دارد که سلطه اقتصادی گروه ۷ (G7) را در سه دهه آینده به چالش بکشد (Ashwarya, 2024: 65). شکل ۱ میزان تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو بریکس را در سال ۲۰۲۴ نشان می‌دهد.

به طور کلی بر اساس بررسی بیانیه‌های مشترک



مالی جهان» دانست، که می‌کوشد از طریق پافشاری بر راهکارهایی چون «تعدیل سهام و آرای اعضا»، در نهادهای مالی بین‌المللی، زمینه بازتعریف ماهوی و کارکردی نهادهای یاد شده را فراهم نماید؛ مسیری که از سوی بسیاری از دولت‌های در حال توسعه و حتی توسعه یافته نیز حمایت شده و می‌شود. در این راستا، «بریکس» را می‌توان بعنوان مرجعی بین‌المللی در نظر گرفت که تلاش می‌کند از رهگذر اصلاح نهادهای پولی و مالی بین‌المللی، معماری جدیدی برای حاکمیت اقتصادی بین‌المللی طراحی کند (Ahmadi, Riazi, 2024: 136). بریکس در سایه مزایایی نظیر افزایش قدرت اقتصادی- به‌ویژه در مقایسه با گروه ۷، نمادی از «ظهور بازیگران جدید و شکل‌گیری ائتلاف‌های نوظهور» دانسته شده که می‌تواند به تحولاتی عمیق در ساختار قدرت جهانی و نیز تعاملات و توازن قدرت در نظام بین‌الملل منجر شود (Kohanhoush Nejad, Gharib, 2024: 122).

در این زمینه، ابتکار بریکس در ایجاد «بانک توسعه جدید»^۱ (NDB) به‌عنوان یک بانک توسعه چندجانبه با سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیارد دلار، قابل توجه است. بحث مربوط به تأسیس این بانک از اجلاس چهارم بریکس در دهلی نو در سال ۲۰۱۲ آغاز و در اجلاس دوربان در سال ۲۰۱۳ پایه‌گذاری رسمی این بانک اعلام شد. توافقنامه تأسیس بانک در قالب ۵۰ ماده به تصویب رسید و مقر آن در شانگهای چین تعیین شد. گفته می‌شود که این بانک، یکی از ۴ نهادی بود که چین در راستای معماری جدید نظام مالی جهانی پیشنهاد داده بود. سه نهاد دیگر شامل: بانک آسیایی سرمایه‌گذاری زیرساخت، صندوق ذخیره ارزی و بانک توسعه سازمان همکاری شانگهای هستند (Mansouri et al, 2022: 113). در خصوص اهداف

درون‌گروهی؛ همکاری‌های ارزی؛ کاهش وابستگی به اقتصادهای غربی به ویژه اروپا و ایالات متحده آمریکا؛ تأسیس بانک توسعه جدید و صندوق ذخیره ارزی در راستای رقابت با نهادهایی چون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول؛ کاهش نقش دلار در تبادلات مالی؛ پیشبرد اهداف توسعه با همکاری کشورهای در حال توسعه؛ تقویت توازن در مبادلات ارزی؛ کاهش ریسک‌های مالی و ارزی؛ ایجاد ثبات در بازار انرژی؛ افزایش قدرت رقابتی اعضا در برابر سایر بلوک‌های جهانی و سرمایه‌گذاری مشترک در پروژه‌های زیربنایی و راهبردی (Ahmadi, Riazi, 2024: 138). در مجموع، بریکس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بلوک‌های اقتصادی جهان، بیش از یک چهارم تولید ناخالص داخلی جهان را در اختیار دارد. همچنین جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به این بلوک طی بازه زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، بیش از چهار برابر رشد داشته و سهم چشمگیری در شکل‌گیری سرمایه ثابت ناخالص اعضا ایفا کرده است (Unctad, 2023). گفتنی است، پس از عضویت شش کشور جدید در سال ۲۰۲۴، سهم بریکس از جمعیت جهان به طور قابل توجهی افزایش یافته، شکل ۲ این تغییر جمعیتی را به تصویر می‌کشد.

بریکس و پروژه نهادسازی اقتصادی / مالی

با توجه به توضیحات بالا، بریکس را می‌توان محصول «شرایط تبعیض‌آمیز حاکم بر اقتصاد بین‌الملل» دانست؛ شرایطی که در آن قدرت‌های نوظهور، علاوه بر تلاش برای افزایش سهم خود در نهادهای بین‌المللی موجود، در پی تأسیس نهادهای مالی و پولی جدیدی برآمده‌اند تا از این طریق قدرت ساختاری و مالی خود را ارتقا دهند. به بیان دیگر، بریکس را می‌توان نمادی از گرایش تحول‌خواه مبنی بر «کاهش سلطه آمریکا و اروپا بر نظم پولی و

1. New Development Bank

در کنار این بانک، «صندوق ذخیره ارزی»^۲ بریکس (CRA) نیز با سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیارد دلار تاسیس شد. هدف این صندوق، جایگزینی اضطراری برای صندوق بین‌المللی پول در مواقع بحران نقدینگی است. سهم هر کدام از کشورها به ترتیب: چین ۴۱ میلیارد دلار، روسیه، برزیل و هند، هر کدام ۱۸ میلیارد دلار و آفریقای جنوبی ۵ میلیارد دلار می‌باشد (Ahmadi, Riazi, 2024: 148). در حالی که حق رای در بانک توسعه جدید به طور مساوی بین پنج عضو مؤسس آن تقسیم شده است، در صندوق ذخیره ارزی، میزان رای تابع سهم سرمایه‌ای (مشابه صندوق بین‌المللی پول) کشورهاست؛ لذا چین با ۴۰ درصد سهم اولیه، بیش‌ترین حق رای را در اختیار دارد اما نمی‌تواند به تنهایی تصمیمی را وتو کند (Institute for Security & Development Policy, 2024). علاوه بر این، کشورهای بریکس در «بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا» که در سال ۲۰۱۳ توسط چین پایه‌گذاری شد، مشارکت دارند. از سوی دیگر، بانک مرکزی چین، با تمام کشورهای عضو بریکس - به استثنای ایران و اتیوپی - قراردادهای مبادله دوجانبه منعقد کرده است. این قراردادهای مبادله برای تسهیل استفاده از ارزهای محلی در مبادلات تجاری و درعین حال تامین ذخایر ارزی در زمان بحران پیش‌بینی شده‌اند (EPRS, 2024). در نهایت، افزایش تنش‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی میان بریکس و گروه هفت سبب شده این گروه به بررسی امکان ایجاد «ارز ذخیره مشترک» بپردازد (Raimondi, 2023). قابلیت عملیاتی شدن این ارز مشترک، موضوع اصلی نشست بریکس در آفریقای جنوبی در سال ۲۰۲۳ بود (Canada, 2024).

اصلی این بانک، به چند مورد اشاره شده: «تامین مالی پروژه‌های زیرساختی و توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه»، «ارائه راهکارهای مالی موثر برای تقویت توسعه‌ی فراگیر و انعطاف‌پذیر و تضمین رشد پایدار اقتصادی برای اعضا» (EPRS, 2024). نکته بعد به افزایش اعضای بانک مربوط است؛ که در سال ۲۰۲۱ دولت‌های بنگلادش، امارات متحده عربی، اروگوئه و مصر نیز به اعضای بانک پیوستند (Institute for Security & Development Policy, 2024). هر چند پیشنهاد اولیه تاسیس بانک توسط هند مطرح شده بود، نقش چین در تامین منابع مالی و طراحی نهادینه‌سازی بانک، نفوذ این کشور را در روند مذاکرات تقویت کرد. بر این مبنا، ساختار نهایی حاکمیت بانک، بازتاب‌دهنده منافع مشترک پنج عضو مؤسس و به‌ویژه نمایانگر تعاملات هند و چین بود. در هر صورت، کارشناسان بر این باورند که تاسیس بانک توسعه جدید در کنار بانک آسیایی سرمایه‌گذاری زیرساخت در راستای افزایش قدرت جهانی چین و نیز نارضایتی اعضای بریکس از توزیع قدرت و حق رای در نهادهایی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول قابل تحلیل است. نکته بعد اینکه بانک توسعه جدید ردپای خود را در مناطق مختلف گسترش داده و دفتری در آفریقا (۲۰۱۷)، آمریکای جنوبی (۲۰۱۹)، اوراسیا (۲۰۲۰) و اخیراً در جنوب آسیا (۲۰۲۲) دایر کرده است (Chin, 2024). نکته نهایی، دستور کار پیش‌روی بانک می‌باشد که شامل راه‌اندازی پروژه‌های جدیدی در راستای توسعه پایدار است. تمرکز بانک به‌ویژه بر انرژی‌های تجدیدپذیر بوده، به گونه‌ای که ۶۰ درصد از وام‌ها به این حوزه اختصاص یافته‌اند. همچنین حمایت از استفاده از ارزهای ملی به‌عنوان بخشی از راهبرد «پایداری مالی» در دستور کار بانک قرار دارد (EPRS, 2024).

2. Contingent Reserve Arrangement (CRA)



فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی ج.ا.ایران در سایه عضویت در بریکس

ایران به سوی عضویت در بریکس

از سال ۲۰۱۳ و همزمان با برگزاری پنجمین نشست بریکس در آفریقای جنوبی، تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای پیوستن به این گروه شدت گرفت. این روند در چارچوب مقابله با تحریم‌های اقتصادی و بدیل‌سازی و پلان دوم برای شکست احتمالی مذاکرات هسته‌ای دنبال می‌شد؛ به‌ویژه در فضای موسوم به «پسا پسا جنگ سرد» که زمینه‌های بازتعریف نظم جهانی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته بود. در نهایت، پس از یک دهه تلاش دیپلماتیک، در سال ۲۰۲۳ (۱۴۰۲) ایران به عضویت دائم بریکس درآمد^۲ (Sadeghi, 2024; 223).

در سال ۲۰۲۴، اجلاس بریکس به میزبانی ولادیمیر پوتین، در شهر کازان برگزار شد. این نشست که بزرگ‌ترین گردهمایی دیپلماتیک روسیه از زمان آغاز جنگ اوکراین به‌شمار می‌رفت، با حضور رهبران جنوب جهانی از جمله شی جین پینگ (رئیس‌جمهور چین)، نارندرا مودی (نخست‌وزیر هند)، سیریل رامافوسا (رئیس‌جمهور آفریقای جنوبی) و مسعود پزشکیان (رئیس‌جمهور ایران) برگزار گردید (BRICS Chairship, 2024). این نشست سه روزه، با مشارکت نمایندگان ۳۶ کشور و بیش از ۲۰ تن از مقام‌های عالی‌رتبه، به بررسی مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیک پرداخت. تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه چین، روسیه و ایران از جمله محورهای اصلی گفتگوها بود؛ تحریم‌هایی که تمامی

۳. ناگفته نماند که از آنجا که بریکس فاقد هر گونه سند تاسیسی است (که نیاز به تصویب مجالس کشورها داشته باشد)، عضویت قطعی در آن فرایند پیچیده‌ای نداشته و صرفاً نیازمند تأیید پنج عضو اصلی است.

شرکت‌کنندگان آن را «غیرقانونی» دانسته و به صراحت محکوم کردند. همچنین موضوع ضرورت طراحی و گسترش سامانه‌های مالی و پرداختی مستقل از دلار، به‌عنوان یکی از نگرانی‌های راهبردی اعضا، به‌طور جدی مطرح شد. با این حال، اجلاس ۲۰۲۴ در نهایت بدون صدور بیانیه یا قطعنامه‌ای الزام‌آور به پایان رسید (Polychroniou, 2024).

فرصت‌های پیش روی ج.ا.ایران

به طور کلی، در میان شش کشور تازه دعوت شده، عضویت جمهوری اسلامی ایران از منظر سیاسی و ژئوپلیتیکی، اهمیتی ویژه دارد. تهران عضویت در این نهاد نوظهور را فراتر از صرفاً بهره‌برداری اقتصادی دیده و آن را به‌عنوان ابزاری برای کاهش انزوای بین‌المللی و بازتعریف جایگاه خود در نظم نوین جهانی تلقی می‌کند. از این منظر، بریکس برای ایران نه تنها بستری برای گفت‌وگو با دیگر قدرت‌های غیر غربی، بلکه جایگزینی بالقوه برای ساختارهای سنتی قدرت از جمله گروه هفت (G7) ارزیابی می‌شود. ایران در پی آن است که با همراهی بازیگرانی همچون روسیه و چین، در طراحی نهادها و نظم‌های جایگزین مشارکت فعال داشته باشد. این سه کشور در بسیاری از مسائل، به‌ویژه در مخالفت با یکجانبه‌گرایی غرب و تحریم‌های اقتصادی، اشتراک دیدگاه دارند. در این راستا، عضویت ایران در بریکس می‌تواند به تسهیل دسترسی به ابزارهای مالی جایگزین و کاهش وابستگی به دلار آمریکا کمک کند. از منظر اقتصادی، این عضویت می‌تواند فرصت‌های قابل توجهی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در اختیار ایران قرار دهد. به‌ویژه در حوزه مواد معدنی حیاتی همچون مس، روی و لیتیوم که ایران علی‌رغم برخورداری از ذخایر گسترده، به دلیل تحریم‌های شدید، در جذب سرمایه برای بهره‌برداری

را در شاخص‌های کلیدی اقتصاد جهانی به شدت افزایش داده است. پس از پیوستن اعضای جدید، بریکس اکنون حدود ۴۵ درصد جمعیت جهان و حدود ۲۹ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را در اختیار دارد؛ رقمی که بر اساس معیار برابری قدرت خرید به ۳۸ درصد می‌رسد. همچنین این گروه در بازار کالاهای استراتژیک نیز جایگاه پررنگی دارد: ۴۰ درصد از تولید غلات، ۴۳ درصد نفت خام، ۳۲ درصد گاز طبیعی و سهم‌های چشمگیر از مواد معدنی حیاتی نظیر منگنز (۷۵ درصد)، گرافیت (۵۰ درصد)، نیکل (۲۸ درصد) و مس (۱۰ درصد). از سوی دیگر، پیوستن اقتصادهای با نقدینگی بالا مانند عربستان سعودی به بریکس، می‌تواند منابع مالی قابل توجهی موجود برای توسعه پروژه‌های این گروه فراهم کند (Institute for Security & Development Policy, 2024). این مجموعه ظرفیت‌ها می‌تواند به ایران امکان دهد تا از یک‌سو بازار کالاهای خود را تنوع بخشد و از سوی دیگر، به زنجیره تامین کالا و منابع جهانی بپیوندد.

ثانیاً، ابتکارهای بریکس در ایجاد نهادهای اقتصادی نوظهور مانند «بانک توسعه جدید» به عنوان نخستین بانک توسعه بین‌المللی بزرگ که خارج از چارچوب کشورهای OECD شکل گرفته، و همچنین «صندوق ذخیره ارزی» به عنوان رقیبی برای صندوق بین‌المللی پول، بستری نو برای مشارکت در نظم مالی جهانی فراهم کرده‌اند. این نهادها نماد تلاش کشورهای در حال توسعه برای حضور موثرتر در ساختار تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی هستند. تا کنون بانک توسعه جدید حدود ۸۰ پروژه به ارزش مجموعاً ۳۰ میلیارد دلار را در کشورهای عضو به تصویب رسانده که در حوزه‌هایی چون حمل و نقل، آب و بهداشت، انرژی‌های تجدیدپذیر،

از آن‌ها با محدودیت مواجه بوده است. به عنوان نمونه در سال ۲۰۲۰، ۱۷ شرکت فعال در بخش معدن ایران تحت تحریم قرار گرفتند. در چنین شرایطی، بریکس می‌تواند دریچه‌ای برای ورود سرمایه در این حوزه‌ها و راهی برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های مغفول مانده اقتصادی کشور باشد. از سوی دیگر، ورود ایران به بریکس در سایه حمایت و اجماع روسیه و چین میسر شد؛ دو کشوری که تهران با هر دو، روابط راهبردی و مشارکت بلند مدت دارد. این مسئله می‌تواند به تقویت همکاری‌های اقتصادی دو جانبه و چندجانبه، به ویژه در قالب استفاده از ارزهای ملی و حذف تدریجی دلار از مناسبات تجاری بینجامد (Kazemko, Semeghini, 2024: 60).

اول-امکان بازپرووی بنیه اقتصادی در فضای منطقه‌گرایی؛ به عنوان مقدمه‌ای برای ادغام در اقتصاد جهانی

فرآیند جهانی‌شدن، ضمن گشودن مرزهای اقتصادی داخلی و خارجی کشورها، رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی را افزایش داده و تنها بازیگران قدرتمند و کارآمد را در میدان نگه می‌دارد. از آنجا که ایران هنوز آمادگی ورود یک‌باره به ساختار تجارت آزاد را ندارد، «منطقه‌گرایی» می‌تواند به عنوان مسیری تدریجی و هوشمندانه برای بازسازی اقتصادی و آماده‌سازی جهت ادغام در اقتصاد جهانی عمل کند (Shirzadi, 2017: 47). در این چارچوب، عضویت در بریکس فرصتی است که هم‌راستا با ویژگی‌های اقتصاد جهانی شده همچون همگرایی اقتصادی، کاهش موانع تعرفه‌ای و ادغام در سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی تعریف می‌شود.

از این منظر، دو نکته حائز اهمیت است: اولاً، گسترش عضویت در بریکس، ظرفیت اثرگذاری این گروه



چندجانبه‌گرایی جهانی جنوب و چالشی برای نظم اقتصادی و سیاسی تحت سلطه غرب ظهور کرده است. این تحول، هم‌راستا با افزایش تمایل کشورها به سوی ایجاد ترتیبات جایگزین و بازتعریف نظم بین‌المللی است که در آن، قدرت به تدریج از قطب‌های سنتی به سوی قطب‌های نوظهور متمایل می‌شود (2022, Malhotra & Liu). در این میان، حمایت کشورهای بریکس از نظم بین‌المللی عادلانه‌تر، بازتاب نارضایتی فزاینده اعضا از حکمرانی جهانی غرب‌محور تلقی می‌شود (2020, Stuenkel). یکی از نمودهای این رویکرد، تمرکز راهبردی بریکس بر سیاست «دلار زدایی» است که در راستای گذار به یک نظم چندقطبی شکل گرفته است. از سال ۲۰۰۹ «ایجاد یک ارز ذخیره جهانی جدید» در دستورکار بریکس قرار گرفت؛ ارزی که پایدار و قابل پیش‌بینی و غیرمبتنی بر سلطه دلار باشد (Institute for Security & Development Policy, 2024). در همین راستا، طراحی یک سیستم پرداخت جمعی جایگزین مطرح شده که شبکه پرداخت ملی کشورهای بریکس را در یک پلتفرم ابری به هم پیوند می‌دهد. به طور خاص، بریکس پی^۴ با هدف اتصال کارت‌های اعتباری و نقدی شهروندان عضو به کیف پول‌های آنلاین گامی عملی در جهت استقلال از شبکه‌های مالی غربی محسوب می‌شود (Kohanhoush Nejad, 2024, Gharib, 129). در نشست کازان (۲۰۲۴) نیز روسیه، در مقام ریاست دوره‌ای بریکس، تلاش کرد از این جایگاه برای تقویت همبستگی جهانی جنوب بهره‌برداری کند و بریکس را به عنوان بدیلی برای نهادهای مالی غرب‌محور معرفی نماید. در بیانیه پایانی نشست، طرح‌هایی چون «پرداخت‌های

زیرساخت‌های دیجیتال و توسعه شهری تمرکز دارند (Kazemko, Semeghini, 2024, 64). در این میان، انتظار می‌رود بانک توسعه جدید، در چارچوب تقویت «چندجانبه‌گرایی جهانی جنوب»، نقشی فزاینده در ارائه تسهیلات مالی با نرخ بهره پایین به کشورهای در حال توسعه ایفا کند؛ امری که می‌تواند برای ایران فرصتی حیاتی جهت جذب سرمایه گذاری خارجی و بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی فراهم سازد (2024, RSiS).

دوم-همکاری با بریکس، فرصتی برای همراهی با قدرت‌های نوظهور

بریکس، همانند سازمان همکاری شانگهای، بیش از آنکه ساختاری برای اقدام جمعی منسجم باشد، بازتابی از جهت‌گیری‌های سیاسی اعضا می‌باشد. از این زاویه، پیوستن جمهوری اسلامی ایران به بریکس، به معنای ورود به تعاملات نزدیک با گروهی از بازیگران برجسته جهانی است؛ شامل کشورهایی با بیشترین جمعیت در جهان، سه قدرت هسته‌ای، دو عضو دائم شورای امنیت، وسیع‌ترین کشور جهان، قدرت‌های پیش‌تاز در آمریکای لاتین و آفریقا و دومین اقتصاد بزرگ جهان (Simbar et al, 2019, 173). افزون بر این، هریک از اعضای بریکس در منطقه خود نقشی کلیدی در معادلات سیاسی و امنیتی ایفا می‌کنند؛ به گونه‌ای که این گروه با پوشش جغرافیایی متنوعی شامل اوراسیا، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین از ظرفیت‌های جهانی قابل توجهی برخوردار است (Harmer, 2013).

سوم-همکاری با بریکس به مثابه مشارکت در مسیر استقرار نظم بین‌المللی عادلانه‌تر

در عصر تشدید تهدیدهای ژئوپلیتیک و تزلزل نظم سنتی بین‌الملل، بریکس به عنوان نمادی از

4. Brics Pay

نفت به دلیل کاهش عرضه، انگیزه کشورهای غیر غربی برای خرید نفت روسیه، بدون در نظر گرفتن تهدیدات سیاسی نیز افزایش یافته است. به عنوان نمونه، هند در نیمه نخست سال ۲۰۲۲، حدود ۶۰ میلیون بشکه نفت از روسیه خریداری کرده که نسبت به سال ۲۰۲۱، ۱۲ میلیون بشکه افزایش داشته است (2023:52, Abidian, Rahnejad).

در این شرایط، ایران با برخورداری از موقعیت ژئواستراتژیک خاص در پیوند خلیج فارس و دریای خزر و همچنین ذخایر عظیم نفت و گاز، می‌تواند نقش مهمی در تامین منافع ملی خود و مرتفع نمودن دغدغه‌های امنیت انرژی کشورهای عضو بریکس ایفا کند. حضور فعال شرکای بزرگ اقتصادی مانند چین و هند نیز به تقویت شرایط یاد شده کمک کرده و وزن ژئوپلیتیک ایران را ارتقاء می‌بخشد (2020, Simbar, Rezapour: 9). لازم به ذکر است که در جریان نشست بریکس در کازان (۲۰۲۴)، در گفتگوی مقامات ایرانی با رهبران روسیه و چین، پیشنهاد شد که ایران بتواند صادرات نفت را از سر بگیرد و آن را به کشورهای عضو بریکس محدود نماید (2024, Dzulhisham). افزون بر این، عضویت در بریکس، امکان بهره‌برداری از منابع غنی طبیعی ایران همچون نفت، گاز، طلا، فولاد، مس و سنگ آهن را به عنوان ابزاری برای مقابله با تحریم‌های آمریکا فراهم می‌کند (2024, Kazelko, Semeghini: 66).

پنجم- فرصت بهره‌گیری از همکاری چند وجهی با چین و روسیه (در بستر بریکس)

در بررسی فرصت‌های پیش روی ایران برای همکاری با پکن در چارچوب بریکس، ناگفته نماند که بیش از اینکه بریکس حاصل اجماع روسیه باشد، حاصل اجماع چین است (2019, Simbar et al: 174) و در این راستا، بخش قابل توجهی از تجارت درون بریکس،

فرامرزی بریکس و «بورس کالای بریکس» مطرح شد که می‌تواند مسیر تجارت و مبادلات مالی بین اعضا را به شکلی مستقل و بر پایه ارزهای غیردلاری هموار کند (2024, RSiS).

در این ارتباط، نقش بانک توسعه جدید (NDB) بعنوان ابزار دگرگونی در «معماری مالی جهانی» حائز اهمیت است. این بانک از دو ویژگی برخوردار است: نخست، تعهد به «افزایش سهم و مشارکت در توسعه جهانی و منطقه‌ای» که با الزامات تقویت ظرفیت توسعه ملی اعضا هم‌راستا است؛ دوم، ساختار تصمیم‌گیری دموکراتیک و عاری از سلطه قدرت‌های اقتصادی پیشرفته، به گونه‌ای که هیچ عضو، از حق وتو برخوردار نیست و کلیه کشورها از شرایط برابری برای مشارکت برخوردارند. این ویژگی‌ها، به‌ویژه برای کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران که در تعامل با نهادهای سنتی مالی جهانی با محدودیت روبه‌رو هستند، فرصت‌های استراتژیک به‌شمار می‌آید (2024, RSiS).

چهارم- فرصت «بازیابی جایگاه ایران در بازار جهانی انرژی»

امنیت انرژی یکی از موضوعات محوری در دستورکار بریکس است (Valizadeh, Houshis: 135, 2013). الحاق اقتصادهای جدید به این گروه، تاثیر قابل توجهی بر سرمایه‌گذاری و بخش انرژی دارد؛ چرا که این گروه متشکل از مهم‌ترین دارندگان منابع معدنی، تولیدکنندگان عمده نفت و مصرف‌کنندگان بزرگ انرژی است (2024:54, Kazelko, Semeghini: 55). در این ارتباط، جنگ اوکراین و تحریم‌های غرب علیه روسیه، توجه کشورهای بریکس به مسئله امنیت انرژی را افزایش داده و به همگرایی بیشتر آن‌ها منجر شده است. همزمان با افزایش قیمت جهانی



ششم- تقویت اعتبار (پرستیژ) بین‌المللی ایران

بریکس افزون بر جنبه‌های اقتصادی و مالی، تلاشی برای شکل‌دهی به الگویی بدیل از نظم بین‌المللی به‌شمار می‌رود. اعضای این گروه با الهام از ارزش‌هایی چون احترام متقابل، اقدام هماهنگ، چندجانبه‌گرایی، تصمیم‌گیری جمعی و همکاری در یک نظم چندقطبی و دموکراتیک، درصدد ترویج الگویی متفاوت از نظام برتون وودز هستند (Juuinen, 2019). در این راستا، مشارکت فعال ایران در چارچوب بریکس می‌تواند نه تنها به تقویت اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران کمک کند، بلکه به ارتقای منابع قدرت نرم کشور نیز یاری رساند.

چالش‌ها: موانع پیش‌روی ایران در مسیر بهره‌برداری از عضویت در بریکس

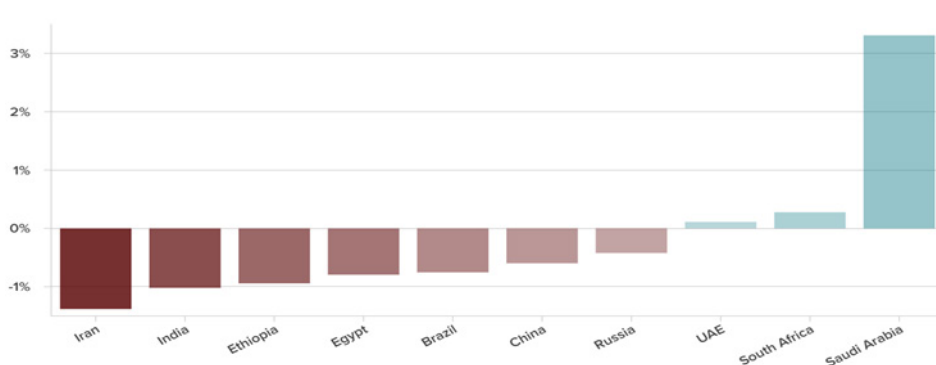
گسترش بریکس نقطه‌عطفی در جهت ارتقای جایگاه ژئواکونومیک و ژئوپولیتیک این گروه به‌شمار می‌رود و به‌نوعی تغییر کیفی چشمگیری در راستای شکل‌گیری نظم چندقطبی و غیرغربی تلقی می‌شود. با این حال، موانع و پیچیدگی‌هایی وجود دارد که روند شکل‌گیری این نظم جدید را کند یا حتی مختل می‌سازد (Fathollah-Nejad & Naeni, 2023). در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب عضویت در بریکس با فهرست بلندی از چالش‌ها روبه‌رو است:

الف) ایران و چالش «واگرایی» گریبانگیر قدرت نهادی بریکس

همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، سیاست گسترش عضویت در بریکس، این گروه را به مخزنی از منابع قدرت سخت و نرم تبدیل کرده است. اما واقعیت آن است که این منابع هنوز به «قدرت قابل استفاده جمعی» بدل نشده‌اند. بریکس برخلاف نهادهایی

چین‌محور است (Garcia, 2024). مهم‌ترین ویژگی نقش راهبردی این دولت در چارچوب بریکس، باور راهبردی به «خیزش نرم و مسالمت‌آمیز» (در برابر حرکت انقلابی) در جهت تحقق جهانی چندقطبی است. از منظر چین، بریکس نماد نوعی نهادگرایی مشارکتی است، که از طریق تقویت اعتماد و تعامل متقابل میان اعضا، در مسیر تحقق نوعی «نظم چندجانبه منصفانه، دموکراتیک و متعادل» به پیش می‌رود و در عین حال، تخطی از آن نیز هزینه‌بردار است (Dehshiri, Bahrami, 2015: 59). در این میان، توافق ۲۵ ساله همکاری راهبردی ایران و چین، دورنمای پیش‌برنده را برای برنامه‌های توسعه‌ای تهران ترسیم می‌نماید (Ashwarya, 2024: 66). چین با ادامه واردات نفت ایران با وجود تحریم‌های آمریکا، به بزرگ‌ترین خریدار نفت ایران تبدیل شده و نقش مهمی در حمایت اقتصادی از ایران، به ویژه پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای در سال ۲۰۱۸، ایفا کرده است (Ashwarya, 2024: 67). سیاست دلار زدایی در بریکس با سیاست‌های مالی چین همچون قراردادهای دوجانبه ارزی هم‌راستا است و مسیر بین‌المللی‌سازی یوآن را هموارتر می‌کند. از سوی دیگر، رویکرد روسیه در بریکس نیز در جهت تقویت زیرساخت‌های مالی غیرغربی است. تلاش برای جایگزینی سیستم‌های پرداخت، کاهش وابستگی به دلار و استفاده از بسترهای دیجیتال مالی، فرصتی راهبردی برای ایران در شرایط تحریم و قطع ارتباط با سوئیفت به‌شمار می‌رود (Kohanhouh, 2024; Nejad, Gharib, 2024: 129). افزون بر آن، بریکس بستری را برای روسیه فراهم کرده تا هم نارضایتی خود از ساختار نظم بین‌المللی موجود را ابراز کند و هم ظرفیت خود را برای مقابله با انزوای دیپلماتیک به نمایش گذارد (Vixio, 2022).

BRICS GDP Growth Rate Difference from 2023 to 2024



شکل ۳. اختلاف نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در میان کشورهای عضو بریکس در فاصله سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴

منبع: IMF WEO April 2024

در بریکس یک دستاورد مهم سیاسی محسوب می‌شود و می‌تواند در بلندمدت صدای بین‌المللی ایران را تقویت کند، اما بسیاری از اعضای بریکس تمایلی به ریسک‌پذیری در نقض تحریم‌های سخت‌گیرانه آمریکا ندارند. افزون بر آن، فقدان ساختارهای اقتصادی رسمی و یکپارچه در بریکس، میزان بهره‌برداری اقتصادی ایران را به شدت محدود می‌کند (EIU, 2023).

– **فقدان یک توافق تجاری جامع:** تا کنون هیچ توافق تجاری فراگیر میان همه اعضای بریکس وجود نداشته و تنها چند توافق دوجانبه محدود میان برخی اعضا به امضا رسیده است. این امر مانعی برای تقویت انسجام اقتصادی درون گروهی محسوب می‌شود.

– **رشد و توسعه اقتصادی نامتوازن:** تفاوت فاحش در سطح توسعه اقتصادی اعضای بریکس منجر به عدم تقارن در قدرت چانه‌زنی شده است. برای نمونه، چین با سهمی حدود ۷۰ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP) کل بریکس، نقشی مسلط در تصمیم‌گیری‌ها ایفا می‌کند، در حالی که کشورهایی

همچون ناتو یا اتحادیه اروپا، فاقد ساختارهای رسمی و نهادهای الزام آور است؛ ساختارهایی که زمینه‌ساز انسجام، پیگیری اهداف مشترک و ایفای نقش موثر در نظام بین‌الملل هستند. از همین منظر، بریکس هنوز نتوانسته تضمین‌های لازم برای تحقق آرمان‌های بلندپروازانه خود را فراهم آورد؛ چه در حوزه بازتوزیع قدرت ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک و چه در مسیر توسعه تجارت درون گروهی میان اعضای بریکس پلاس (Fathollah-Nejad & Naeni, 2023). افزون بر این، شکاف‌های مهمی در قدرت نهادی این گروه وجود دارد که عملکرد آن را تضعیف کرده است:

– **ترجیح روابط اقتصادی بیشتر کشورهای عضو با غرب:** با وجود افزایش سهم تجارت درون گروهی بریکس نسبت به میانگین جهانی، تعاملات تجاری و مالی این گروه با اقتصادهای گروه ۷، هنوز بر تعاملات داخلی آن‌ها پیشی دارد. به‌ویژه در مورد ایران، موضع‌گیری اعضای بریکس در برابر تحریم‌های امریکا اهمیت دارد. اگرچه عضویت ایران



داخلی کشورها، بر نحوه تعامل آنها با نظم بین‌المللی و به‌ویژه با قدرت‌های غربی نیز اثرگذار است.

- وجود تنش‌های ژئوپلیتیک پنهان: از جمله مناقشه مرزی حل نشده در هیمالیا میان چین و هند، تنش‌های نیابتی ایران-عربستان سعودی و مناقشه سد نهضت میان اتیوپی و مصر.

- تمایل به استفاده ابزاری از بریکس به جای تعهد نهادی: برخی از اعضای بریکس، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ‌تر، گرایش دارند تا از این گروه صرفاً به‌عنوان اهرم فشار یا توازن‌بخش در مقابل نهادهای سنتی نظم جهانی مانند بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول استفاده کنند، بدون آنکه به سازوکارهای جمعی بریکس متعهد باشند. این امر، همراه با وابستگی چندجانبه برخی کشورها به غرب، موجب بروز ضعف در اشتراک هدف و هماهنگی درونی شده است (Institute for Security & Development, 2024, Policy). با توجه به نکات بالا، خطر ناشی از درگیری ایران در چالش‌های درونی بریکس قابل توجه است.

- وجود زمینه‌های متعدد تنش‌زا میان اعضای محوری بریکس: جلوه دیگری از زمینه‌های واگرایی درونی بریکس، به الگوی همکاری - رقابت میان اعضای محوری آن باز می‌گردد. بارزترین نمونه این اختلافات، تنش‌های مستمر میان هند و چین است. هند در حالی که عضو سازمان‌های منطقه‌ای تحت رهبری چین است، به صورت همزمان در ائتلاف‌های راهبردی همچون کوآد (آمریکا، ژاپن، هند و استرالیا) و نیز در چارچوب I2U2 با ایالات متحده، اسرائیل و امارات متحده عربی مشارکت دارد. این حضور موازی، تعهدات ژئوپلیتیک متداخل و بعضاً متناقضی برای هند ایجاد کرده است که پیش‌بینی پذیری رفتار این کشور در درون بریکس را دشوار

مانند آفریقای جنوبی و برزیل با رشد اقتصادی ضعیف‌تر و بحران‌های سیاسی داخلی مواجه‌اند (Armijo, 2022). شکل ۳، اختلاف نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در میان کشورهای عضو بریکس در فاصله سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۴ را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، ایران بیشترین کاهش نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را تجربه کرده است، که این موضوع می‌تواند موقعیت اقتصادی آن را در تعاملات درون گروهی تضعیف نماید.

- پیامدهای گسترش دامنه عضویت: فرآیند گسترش بریکس، درحالی که به تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک این گروه منجر شده، به‌طور همزمان خطراتی را نیز در حوزه انسجام درونی به همراه دارد. افزایش تعداد اعضا بدون تعریف ماموریت و اهداف مشترک میان اعضای بنیانگذار، زمینه‌ساز تعمیق واگرایی در سیاست خارجی کشورها شده و فرآیند اجماع‌سازی را دشوارتر کرده است. این وضعیت، در نهایت، می‌تواند کارآمدی تصمیم‌گیری جمعی را تضعیف کند. در همین راستا، تحلیل‌گران بر این باورند که گسترش اعضا - از جمله پیوستن ایران در کنار پنج کشور دیگر - می‌تواند کارایی بریکس را در بلندمدت تهدید کند (Ashwarya, 2024, 69).

- ناهمگونی در نظام‌های سیاسی: تفاوت‌های بنیادین در شکل حکومت و الگوهای تصمیم‌گیری سیاسی میان اعضای بریکس، یکی دیگر از عوامل تضعیف‌کننده انسجام گروه است؛^۵ این تفاوت‌ها افزون بر تأثیرگذاری بر سیاست‌های توسعه‌ای

۵. در این مورد، چین یک کشور تک حزبی با اقتصاد مختلط؛ هند ترکیب رقابتی - استبدادی؛ ایران یک حکومت دینی و امارات متحده عربی سلطنتی است. این ناهمگونی می‌تواند منشا تعارض‌های پنهان در تدوین سیاست‌های مشترک باشد.

می‌سازد. در خصوص آفریقای جنوبی نیز، مشارکت نزدیک این کشور با غرب، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا به نوعی رفتار مشابه هند دامن می‌زند. در این میان چین نیز بعنوان یکی از قدرت‌های نوظهور جهانی، با تکیه بر رشد اقتصادی خود، خواهان ارتقای جایگاه بین‌المللی و ایفای نقشی پررنگ‌تر در نظم جهانی است. ایجاد نهادهای مالی، پولی و بانکی جدید مانند بانک آسیایی سرمایه‌گذاری زیرساخت و بانک توسعه جدید بریکس، تلاشی در جهت تثبیت این جایگاه جدید است (Mansouri et al, 2022: 109). سهم حدود ۷۰ درصدی چین از تولید ناخالص داخلی بریکس، نه تنها جایگاه مسلط این کشور را در گروه تثبیت کرده، بلکه جاه‌طلبی‌های آن برای اعمال نفوذ بیشتر و کسب سهم بالاتری از فرآیند تصمیم‌گیری را نیز تقویت کرده است. با این حال، باید توجه داشت که چین همچنان در درون نظام سرمایه‌داری بین‌المللی عمل می‌کند و موفقیت اقتصادی آن تا حد زیادی مرهون همین نظم است (Middle East Institute, 2023). در این راستا، برخی تحلیلگران بر این باورند که دستاوردهای محدود بریکس ناشی از تفاوت‌ها و تضاد منافع اعضای کلیدی آن، به‌ویژه بین چین و هند است (Ashwarya, 2024: 65).

یکی از عرصه‌های رقابت آشکار میان هند و چین، سرمایه‌گذاری اقتصادی در ایران و به‌طور خاص بندر چابهار است. از یک‌سو، توافق جامع ایران و چین و تمایل پکن به توسعه بندر و زیرساخت‌های ساحلی ایران، نگرانی‌های هند را افزایش داده است؛ به‌ویژه در شرایطی که تحریم‌های اعمال شده علیه ایران مانع از سرمایه‌گذاری هند شده و فضا را برای چین هموار می‌سازد. ناگفته نماند که در ژانویه ۲۰۲۴، هند و ایران یک توافقنامه بلند مدت برای توسعه بندر شهید بهشتی - که توسط شرکت هندی «پورتنس گلوبال»

مدیریت می‌شود، امضا کردند و ایران خواستار تسریع روند اجرای آن شده است (Ashwarya, 2024: 68). از سوی دیگر، هند با هدف مقابله با نفوذ چین و در عین حال اجتناب از نقض تحریم‌های آمریکا علیه ایران، پروژه چابهار را فرصتی برای تعمیق روابط دوجانبه با تهران ارزیابی می‌کند. با این حال، با توجه به پیوندهای راهبردی هند با آمریکا در حوزه‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی، بعید به نظر می‌رسد که این کشور حاضر به چالش‌طلبی در برابر سیاست تحریمی آمریکا باشد؛ حتی اگر این امر به کاهش مشارکت در چابهار و واگذاری فضا به چین بینجامد (Ashwarya, 2024: 69).

با در نظر گرفتن نکات فوق، می‌توان گفت ناهمگونی ساختاری و سیاسی میان اعضای بریکس، دلیل روشنی بر ضعف انسجام درونی و ناکارآمدی سیاسی این گروه است. همسویی نزدیک برخی از اعضا به غرب - به‌ویژه اروپا و آمریکا به این معناست که امکان هم‌راستاسازی آن‌ها با سیاست‌های ضد غربی روسیه و چین بسیار محدود است. در واقع، به جز روسیه، باقی اعضای گروه وابستگی متقابل عمیقی به ایالات متحده دارند و نمی‌توانند در برهم زدن نظم جهانی تحت آمریکا نقش آفرینی افراطی داشته باشند.

بر همین اساس، چشم‌انداز تبدیل بریکس به یک اتحاد سیاسی و امنیتی هم‌وزن نهادهایی چون گروه ۷، چندان واقع‌بینانه به نظر نمی‌رسد. باید به این نکته توجه داشت که ایالات متحده تاکنون موفق به ایجاد ت ۵۲ اتحاد نظامی و سیاسی شده است؛ موضوعی که ظرفیت رقابت‌پذیری بریکس در این زمینه را بیش از پیش زیر سوال می‌برد. در این زمینه، اختلاف نظر در خصوص عضویت ایران در بریکس - که از یک‌سو با حمایت روسیه و چین، و از سوی دیگر، با مقاومت هند و برزیل همراه بود - نمایانگر شکنندگی انسجام سیاسی این گروه



گروه، بر تحقق منافع ملی و ترجیحات راهبردی خود تمرکز دارند. در این زمینه، نمونه قابل توجه، مطالبات چین از بانک توسعه جدید برای حمایت مالی از ابتکار «بک کمربند- یک راه» است. این خواسته پکن، نه تنها با مخالفت جدی هند روبرو شد، بلکه از جنبه عملی نیز با دشواری‌هایی همراه گردید؛ از جمله، محدودیت‌هایی که ناشی از تحریم‌های مالی آمریکا و اتحادیه اروپا علیه روسیه بود و دامنه عملکرد بانک را در این خصوص محدود ساخت. با این حال برخی تحلیل‌ها بر این نکته تأکید دارند که به دلیل فضای رقابتی میان چین و هند و نیز تنش فزاینده چین با غرب، پکن ناگزیر است در پیگیری منافع خود از طریق بریکس، با احتیاط بیشتری عمل کند. به‌ویژه آنکه فشار آوردن به بانک برای انجام پروژه‌هایی که ممکن است حساسیت یا مخالفت سایر اعضای بنیانگذار را برانگیزد یا منجر به اعمال تحریم‌های ثانویه گردد، می‌تواند فضای همکاری درون گروهی را تضعیف کند. همین نوع چالش، در خصوص تلاش‌های چین برای پیشبرد طرح گسترش عضویت نیز مشاهده شده است. در این چارچوب، برخی نگرانی‌ها در مورد احتمال شکل‌گیری نوعی قدرت و تو برای پکن در ساختار تصمیم‌گیری بانک مطرح گردید. با این حال، مقامات چینی تلاش کردند این برداشت را تعدیل کرده و تصریح کنند که هدف چین نه تحکیم سلطه، بلکه ارتقای بانک به‌عنوان الگویی از «چندجانبه‌گرایی واقعی» است (2024, Global Policy).

ب) آسیب‌پذیری و انفعال در برابر سیاست‌های تحریمی آمریکا

بانک توسعه جدید بریکس (NDB)، که در سال ۲۰۱۵ با سرمایه اولیه ۱۰۰ میلیارد دلار تاسیس شد، علی‌رغم هدف‌گذاری‌هایی برای کاهش وابستگی به دلار، عملاً

است. دلیل اصلی این اختلاف نیز به مواضع ایران در قبال آمریکا بازمی‌گردد. در این میان، اظهارات رهبران بریکس در نشست‌های اخیر قابل تأمل است. به‌طور مثال، نارندرا مودی نخست‌وزیر هند، به صراحت اعلام کرده که بریکس نباید به عنوان گروهی ضدغربی یا جایگزینی برای سازمان‌های بین‌المللی تلقی شود. حتی ولادیمیر پوتین نیز چند روز پیش از همان نشست تأکید کرد که بریکس «ضد غرب» نیست، بلکه فقط «غیر غربی» است. نکته دیگر اینکه، باید به این واقعیت نیز توجه کرد که نظام تجارت جهانی بر مبنای اصل تجارت آزاد و چارچوب‌های چندجانبه، منطقه‌ای و دو جانبه بنیان نهاده شده است. سازمان تجارت جهانی و سایر پلتفرم‌های همکاری، ساختار پیچیده‌ای از نظم تجاری جهانی مبتنی بر قواعد ایجاد کرده‌اند. در این چارچوب، بریکس نه فدراسیونی منسجم و نه نهادی حاکمیتی فراملی است، بلکه اتحادی است میان دولت‌ها که همواره در معرض اختلاف‌نظر و تعارض منافع قرار دارد (2019, Juutinen).

از این منظر، اصرار روسیه بر معرفی بریکس به‌عنوان «ستون نظم چندقطبی جهانی»، بیش از آنکه ناشی از اجماع درون گروهی باشد، بازتاب انزوای سیاسی این کشور در صحنه جهانی پس از جنگ اوکراین است. به بیان دیگر، مسکو نه تنها دیگر اعضای بریکس را در این باور با خود همراه نمی‌بیند، بلکه با توجه به فشارهای شدید بین‌المللی، گزینه جایگزینی نیز پیش‌رو ندارد.

۱- اثرگذاری سیاست‌های بازیگران محوری بر فضای همکاری چندجانبه: یکی دیگر از چالش‌های ساختاری بریکس، به سطح انتظارات بازیگران محوری آن باز می‌گردد؛ به‌ویژه در مواردی که این کشورها به جای اولویت‌بخشی به منافع جمعی

چالش آفرینی برای ایران اشاره دارد. روابط نزدیک‌تر ایران با بریکس، سوءظن غرب به اتحاد ضدآمریکایی را تشدید می‌کند، روابط آینده ایران با غرب را شکننده‌تر می‌کند و می‌تواند به فشار تحریمی بیشتری منجر شود (Dzulhisham, 2024). به بیان دیگر، ایران با نوعی دوراهی استراتژیک مواجه است، از سویی، عضویت در بریکس می‌تواند راه دسترسی به منابع مالی جایگزین، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کاهش تاثیر تحریم‌ها را فراهم آورد؛ از سوی دیگر، نزدیکی سیاسی به گروه بریکس ممکن است روابط با غرب را ضعیف‌تر کرده و دستاوردهای بلندمدت را به خطر اندازد (RSiS, 2024).

پ) خطر مخدوش شدن جهت‌گیری «نگاه به شرق»

پیش‌بینی اولیه مقامات ایرانی این بود که عضویت در بریکس به‌عنوان کاتالیزوری برای تقویت روابط با روسیه و چین عمل کند؛ یعنی عضویت به مثابه «دستآورد کلیدی در راستای راهبرد نگاه به شرق» تلقی می‌شد. با این وجود، گسترش همکاری‌های نظامی تهران با مسکو یا توسعه کریدور حمل‌ونقل شمال-جنوب (یک مسیر ریلی که قرار است روسیه را از طریق ایران به اقیانوس هند متصل کند)، یا تخفیف‌های ویژه صادرات نفت به پکن، می‌تواند باعث تبدیل شدن همکاری‌های بریکس به بستری یک‌طرفه برای وابستگی بیشتر ایران به شرق گردد؛ موضوعی که برخی تحلیلگران آن را تهدیدی برای استقلال استراتژیک ایران ارزیابی می‌کنند (Fathollah-Nejad & Naeni, 2023).

ت) در هم‌تنیدگی نقش ایران در بریکس با تحولات خاورمیانه

بخش دیگری از چالش‌های پیش‌روی ایران در چارچوب بریکس، به نقش آفرینی آن در خاورمیانه

تحت تاثیر تحریم‌های ثانویه آمریکا قرار گرفته است. ابتکارات مالی روسیه برای پیگیری سیاست دلارزدایی و گسترش همکاری‌های مالی درون گروهی با ارزهای ملی، به‌عنوان گامی در مسیر ارتقای استقلال مالی کشورهای عضو مطرح شد؛ اما این سیاست‌ها به دلیل نحوه اعمال تحریم‌های آمریکا با محدودیت جدی روبرو شدند. از اواخر سال ۲۰۲۳، تحریم‌های ثانویه آمریکا معاملات روسیه را با بانک‌های چین، ترکیه، امارات متحده عربی، هند، قزاقستان و ازبکستان دشوار کرده است. این محدودیت‌ها حتی پروژه‌هایی چون ابتکار «بریکس بریج»^۶، با هدف اتصال سیستم‌های پرداخت ملی اعضا را فلج کرده‌اند، و حتی بلاک چین نیز نتوانست چاره‌ساز باشد. در تجارت هند و روسیه نیز چالش مهمی برجسته شد: هند تمایلی به پرداخت با یوان نداشت و این موضوع منجر به انباشت مازاد روبل در حساب‌های روسیه شد- چالشی که تا پایان سال ۲۰۲۴ تا ۵۷ میلیارد دلار برآورد می‌شد. مسکو بارها بر ضرورت ایجاد ارز ذخیره مشترک برای تسهیل چنین تراکنش‌هایی تاکید کرده است (Global Policy, 2024). با وجود حمایت چین، روسیه و برزیل از سیاست دلارزدایی، واقعیت این است که بیش از ۸۰ درصد تراکنش‌های مالی جهانی همچنان با دلار انجام می‌شود و تغییر این الگوی ساختاری چندان آسان نیست. منابع مالی جاری برای سرمایه‌گذاری عمده‌ها وابسته به دلار است و سوئیفت هنوز زیرساخت غالب شبکه تراکنش‌های بین‌المللی است (EIU, 2023).

در راستای نکته بالا که به رویکرد کلی مقابله‌گرایانه آمریکا نسبت به بریکس و دستورکار اقتصادی آن اشاره داشت؛ باید از مقوله «تشدید بدبینی نسبت به امکان شکل‌گیری اتحاد ضد آمریکا و ناتو» نیز سخن گفت؛ جهت‌گیری که به جلوه دیگری از

6. BRICS Bridge



نتیجه‌گیری؛ بریکس سکوی هویت‌یابی ایران در حکمرانی جهانی

در پرتو تغییر و تحولات ساختاری نظم جهانی اقتصاد و تجارت، بریکس - که ابتدا به‌عنوان یک گروه محدود و مورد توجه نخبگان اقتصادی مطرح بود - به تدریج به پلتفرمی جایگزین برای گفت‌وگو، تنظیم دستور کار و همکاری میان اقتصادهای نوظهور تبدیل شد. برای ایران، کشوری که دهه‌ها در معرض تحریم و انزوای سیاسی قرار داشته است، عضویت در این ساختار می‌تواند فرصتی دوگانه باشد: از یک‌سو، بستری برای ارتقای راهبرد «چندجانبه‌گرایی فعال»؛ و از سوی دیگر، راهکاری برای خروج از پارادوکس تعارض‌نمای موجود در حکمرانی جهانی. تحقق این هدف‌گذاری نیازمند کاربست عقلانیت راهبردی و تمرکز بر عملگرایی ساختاری است، به‌گونه‌ای که این عضویت در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و ژئوپلیتیکی به سکویی برای هویت‌یابی ایران تبدیل شود. در این راستا توصیه‌های سیاستی زیر برای بهره‌برداری راهبردی از عضویت ایران در بریکس ارائه می‌شود:

- فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی چندجانبه: استفاده از نهادهایی مانند بانک توسعه جدید و صندوق ذخیره ارزی به‌منظور تأمین امور مالی توسعه‌ای، کاهش وابستگی به دلار و ارتقای تبادلات با اعضای بریکس مانند هند، آفریقای جنوبی و مصر ضروری است. این روند می‌تواند دیپلماسی اقتصادی را به ابزاری برای تقویت استقلال ملی تبدیل کند.

- توسعه زیرساخت‌ها و نهادهای مالی جایگزین: برای مقابله با محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های غرب، ایران باید در پروژه‌هایی مانند «پلتفرم بریکس بریج» و سیستم‌های پرداخت ملی مشارکت نماید.

ارتباط می‌یابد. در واقع، با توجه به ناپایداری ژئوپلیتیکی این منطقه، هر نوع تنش میان ایران و دیگر بازیگران منطقه‌ای، تأثیر مستقیم بر موقعیت و چارچوب نقش‌آفرینی ایران در بریکس خواهد داشت؛ به‌ویژه زمانی که منافع بین‌المللی ایران با منافع کشورهای عضو محوری (چین و روسیه) در تعارض قرار گیرد (Fathollah-Nejad & Naeni, 2023).

ث) چالش‌های ساختاری و سیاستی میان ایران و بریکس

عضویت موثر ایران در بریکس مستلزم همگرایی واقعی با سیاست‌های اقتصادی اعضای بریکس و هماهنگی در چارچوب‌های تجاری، سازوکارهای سرمایه‌گذاری، و تطابق با مقررات بین‌المللی است. از جمله، در بُعد تجاری، مستلزم تعدیل تعرفه‌ها، حذف تدریجی موانع تجاری و پذیرش الزامات تجارت آزاد است. در حالی که ساختار تعرفه‌ای ایران عمدتاً متأثر از سیاست‌های حمایتی است. علاوه بر آن، محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، ضعف در زیرساخت‌های مالی و بانکی و دشواری در اجرای توافقات چندجانبه، چالش‌های مهمی برای عضویت موثر ایران ایجاد می‌کند. همچنین، نبود شفافیت در محیط اقتصادی، نوسانات ارزی و عدم انسجام در سیاست‌های تجاری، می‌تواند مانعی برای جلب اعتماد شرکای تجاری در بریکس محسوب شود. در نهایت، بهره‌گیری از فرصت‌های بالقوه عضویت در بریکس پلاس مستلزم اصلاحات داخلی، ارتقاء دیپلماسی اقتصادی، و تدوین راهبردی جامع برای تطبیق با الزامات فنی و نهادی این ائتلاف نوظهور است (Fathollah-Nejad, Gharib, 1403:129).



- اصلاحات ساختاری در بخش تجارت و جذب سرمایه: انتقال تدریجی به فضای تجارت آزاد بریکس مستلزم اصلاح سیاست‌های تعرفه‌ای، کاهش موانع واردات و افزایش شفافیت‌های قانونی برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم است.

- حفظ استقلال راهبردی در تعامل با شرق: مشارکت در طرح‌هایی مانند کریدور شمال-جنوب و همکاری‌های امنیتی با روسیه و چین باید با رویکردی متوازن اجرا شود که استقلال ملی حفظ و از وابستگی یک‌جانبه جلوگیری گردد.

- پیگیری فعال تحولات منطقه‌ای و تعامل با کشورهای جنوب جهانی: مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و همکاری با کشورهای جنوب جهان می‌تواند اثرات منفی تحولات خاورمیانه را در داخل ساختار بریکس کاهش دهد و به انسجام هویتی ایران کمک کند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاقی پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در پژوهش این مقاله رعایت شده‌اند.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت‌نویسندگان

نویسندگان به یک اندازه در نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منابع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منابع ندارد.



References

- Asgari, Mahmoud (2008). Soft Balancing against the Unilateralist Dominant Power. *Strategic Defense Quarterly*, 6(9). (in Persian).
- Ahmadi, Hossein, and Riazi, Mehdi (2024). The Future of BRICS and Its Impact on the Global Monetary and Financial Order. *Defense Economics Quarterly*, No. 29, pp. 135–164. (in Persian).
- Abidian, Mohammad Reza, and Rah Nejat, Mitra (2023). Assessing the Position of BRICS in India's Foreign Policy with Emphasis on the New International Order. *Daneshnameh-ye Olum-e Siyasi Quarterly*, 4(10). (in Persian).
- Ashwarya, Sujata (2024). Intersecting interests: The complex dynamics of india, iran, and china in brics. *Transat* https://www.researchgate.net/publication/379430403_INTERSECTING_INTERESTS_THE_COMPLEX_DYNAMICS_OF_INDIA_IRAN_AND_CHINA_IN_BRICS *lantic Policy Quarterly*.
- Alicia Garcia-Herrero, "China continues to dominate an expanded BRICS," *East Asia Forum*, April 12, 2024, <https://eastasiaforum.org/2024/04/12/china-continues-to-dominate-an-expanded-brics/>
- Brooks, G. Stephen and Wiliam, C. Welforth (2005) "Hard times for soft balancing", *international security*, vol 30, no 1.
- Baştanifar, I., Khan, K. H., & Koch, H. (2024). Understanding BRICSIZATION through an economic geopolitical model. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 10(2), Article 100440. <https://doi.org/10.1016/j.joitmc.2024.100440>.
- BRICS+ impact Plaudits and brickbats, (2023). *Economist Intelligence Unit*. <https://www.eiu.com/n/wp-content/uploads/2023/09/BRICS-Impact.pdf>.
- BRICS: Evolving into a vehicle for inclusive multilateralism, (2024). *Institute for Security & Development Policy, Backgrounder-BRICS-Oct-19.pdf*
- Cao, Xuebing, (2018). BRICS Summit in Johannesburg: here's what the five countries are looking for, *Global Policy*. <https://www.globalpolicyjournal.com/blog/25/07/2018/brics-summit-johannesburg-heres-what-five-countries-are-looking>.
- Canada, J. (2024). Feasibility of a new common currency at the BRICS summit. *International Journal of Monetary Economics*, 45(2), 200–218.
- Chin, G.T. (2024). "The 'New' New Development Bank: A Decade Plus in the Making". *Global Policy*. <https://www.globalpolicyjournal.com/blog/17/07/2024/new-new-development-bank-decade-plus-making>.
- Dzuhlsham, Huzeir Ezekiel (2024), Iran's Geopolitical Gamble in Turning to BRICS, *S. Rajaratnam School of International Studies*. <https://www.rsis.edu.sg/rsis-publication/rsis/irans-geopolitical-gamble-in-turning-to-brics/>
- Dehshiri, Mohammad Reza, and Bahrami, Zahra (2015). China's Strategic Perspective toward BRICS. *Central Eurasia Studies Quarterly*, No. 86. (in Persian).
- Expansion of BRICS: A quest for greater global influence? (2024). *European Parliamentary Research Service*. Expansion of BRICS: A quest for greater global influence? | Think Tank | European Parliament.
- Fathollah-Nejad, A., & Naeni, A. (2023, October 3). Iran's BRICS membership:



- “Hello to the new world”?. ORF Middle East. <https://orfme.org/expert-speak/irans-brics-membership-hello-to-the-new-world/>.
- Harmer, Andrew, etc (2013). Brics without Straw? A Systematic literature review of Newly emerging economics influence in Global Health, Available at: <http://www.globalizationandhealth.com>.
- Juutinen, Marko (2019) “Emerging powers and new global politics? An Indian perspective on the BRICS paradox”, *Third World Thematics: A TWQ Journal*, 4 : 6, 489 -506, DOI: 10.1080/23802014.2019.1636713
- Joachim Spanger, Hans. (2024). Longing for Status. Russia celebrates its BRICS Chairmanship. *Global Policy* <https://www.globalpolicyjournal.com/blog/15/10/2024/longing-status-russia-celebrates-its-brics-chairmanship>.
- Jahangiri, Mohammad Reza, and Vafaei Saadi, Khosrow (2018). BRICS Capacities and Russia’s Limitations in Changing the International Order. *Central Eurasia Studies Quarterly*, No. 103, pp. 161–198. (in Persian).
- Kazelko, Alisa, Semeghini, Uira Sorbo (2024). Expansion of BRICS: Implications for global energy markets. *BRICS JOURNAL OF ECONOMICS*. (PDF) Expansion of brics: Implications for global energy markets.
- Kenneth A. Shepsle, “Rational Choice Institutionalism,” in *The Oxford Handbook of Political Institutions*, September 2, 2009, <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780199548460.003.0002>.
- Kahanhoush Nejad, Rouhollah, and Gharib, Hossein Ali (2024). Economic Opportunities and Challenges of Iran’s Membership in the BRICS Plus Group. *International Studies of Political Economy*, 7(2), 117–134. https://ipes.razi.ac.ir/article_3470.html. (in Persian).
- Liber, A. Keir and Gerald Alexander, (2005) “Waiting For Soft Balancing: Why The World is not Pushing Back”, *international security*, 30
- Middle East Institute. (2023). Will BRICS membership recast Iran’s foreign policy? <https://www.mei.edu/publications/will-brics-membership-recast-irans-foreign-policy>.
- Marzbani, Forouzan; Plavandeh, Hossein. (2020). The Prospect of Iran’s Membership in BRICS and Analysis of Its Capacities in the Future Relations between the Two Sides. *Pazhooresh-e Melal*, No. 61, 7–29. <https://civilica.com/doc/1273486/>. (in Persian).
- Mansouri, Milad, Torabi, Mohammad, and Heydarpoor, Mashallah (2022). Analyzing the Economic Development Strategies of Emerging Economic Powers in BRICS: Future Prospects. *Global Politics Quarterly*, No. 39, pp. 107–127. (in Persian).
- Pape, Robert, (2005) “soft balancing against the united states” *international security*, vol 30, no 1
- Russia wants BRICS to Integrate Payments Systems,” *Vixio*, April 12, 2022, <https://www.vixio.com/insights/pc-russia-wants-brics-integrate-payments-systems>.
- Podarilove. (2022). Brix- decryption. Brix Group: history and goals of creation Brix goal of the organization: <https://podarilove.ru/en/briks-rasshifrovka-gruppa-briks-istoriya-i-celi-sozdaniya/>
- Polychroniou, C.J (2024). BRICS Is Mounting a Challenge to the US-Led World Order — But for Whom?. *Global Policy*. <https://www.globalpolicyjournal>.



- com/blog/05/11/2024/brics-mounting-challenge-us-led-world-order-whom
- Raimondi, P. (2023, September 2). BRICS: The role of the unit of account for the new "basket of currencies". India Foundation. (Archived October 4, 2023).
- Rezaei, Alireza (2008). China and Soft Balancing against the Hegemony of the United States in the International System. *Rahbord-e Yas Quarterly*, No. 16, 281–298. (in Persian).
- Saltzman ilai, (2011) "Soft balancing as foreign policy: assessing american strategy toward japan in the interwar" foreign policy analysis , ,tel aviv university.
- Stuenkel, Oliver (2020) "International Relations Emerging Powers and BRICS" *Asian Perspective*, vol. 38, no. 1, 2014, pp. 89-109., www.jstor.org/stable/42704855. Accessed 30 oct. 2020.
- Sanaci, Mehdi, and Ebrahimzadeh, Gholamreza (2013). The Organization of Emerging Economic Powers (BRICS): Objectives, Capabilities, and Its Position in the International System. *World Studies Quarterly*, No. 1, pp. 1–40. (in Persian).
- Simbar, Reza, Rezapour, Danial, and Fazeli, Saman (2019). Iran's Opportunities Regarding the Role of BRICS in the Multipolar International System. *Strategic Policies and Public Governance Quarterly*, No. 28, pp. 165–190. (in Persian).
- Shirzadi, Reza (2017). Emerging Countries and the Structure of International Political Economy: (Brazil, Russia, India, China, and South Africa). *Politics Quarterly*, No. 16. (in Persian).
- Simbar, Reza, & Rezapour, Danial. (2020). The Strategy of the Islamic Republic of Iran in the Multipolar International System: A Case Study of BRICS. *Journal of Islamic Revolution Research*, 1, 1–14. <https://search.isc.ac/dl/search/defaultta.aspx?DTC=8&DC=1187072>. (in Persian).
- Sadeghi, Sajjad (2024). The Iranian Perspective on BRICS and International System Transformations: An Approach Analysis of Iranian Scientific-Research Articles in the Field of International Relations. *World Studies Quarterly*, No. 2, pp. 221–248. (in Persian).
- Vali zadeh, Akbar, Houshisadat, Mohammad (2013). The role of brics energy geopolitics for iran position. *Politics Quarterly*. 99-120
- Walt.M Stephan, (2005) "Taming American Power: The global response to us primacy" ,new york :Norton
- https://unctad.org/system/files/official-document/diae2023d1_en.pdf